

سیاست بازی آمریکا با آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

نویسنده: ج. محمدزاده

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : سفر وزیر امور خارجه آمریکا به منطقه قفقاز و خصوصا باکو در روزهای اخیر در حالی صورت گرفت که به نظر می رسد مقامات آمریکایی توجه ویژه ای را به این منطقه در ماههای اخیر داشته اند و شاهد عینی آن سفرهای متوالی مقامات عالی رتبه آمریکایی به منطقه بویژه باکو در یک زمان کوتاه مدت بوده است. افزایش سفرهای عالی رتبه آمریکایی به قفقاز نتیجه کاهش موقعیت و جایگاه واشنگتن در جمهوری های شوروری سابق و منطقه قفقاز پس از شکستهای پی در پی انقلابهای رنگین در منطقه بوده لذا بنظر می رسد دولت اوپاما مجددا بدنبال جلب نظر مقامات کشورهای این حوزه و افزایش حضور خود است. در میان جمهوری قفقاز ، جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه ای برای آمریکا برخوردار است بطوریکه خانم هیلاری کلینتون در سفر اخیر خود به باکو با اشاره به این موضوع تاکید کرد « آذربایجان به منزله شاه کلیدی است که واشنگتن بوسیله آن می تواند به راحتی به اهداف در منطقه دست یابد ». در مورد اهمیت باکو برای مقامات آمریکایی ذکر چند نکته لازم است:

1) آمریکا بعد از حوادث 11 سپتامبر به بهانه مبارزه با تروریسم به مناطق مختلفی از جهان لشکر کشی کرد تا به ادعای خودش ، به امنیت جهان بین المللی کمک کرده باشد . یکی از نقاطی را که آمریکا برای برخورد با القاعده و مبارزه با تروریسم لشکر کشی کرد افغانستان بود. بهمین لحاظ بیش از 140 هزار نیرو در افغانستان مستقر ساخت. جمهوری آذربایجان یکی از مناطقی بود که بیش از یکصد هزار نفر از نیروهای مستقر در افغانستان از طریق خاک این کشور به افغانستان اعزام شده اند. بنا بر این جمهوری آذربایجان نقش بسیار کلیدی در جنگ با افغانستان دارد و در دوران محدودیتهای آمریکا برای ارسال نیرو و تجهیزات به افغانستان ، باکو این محدودیت حیاتی آمریکا را پر کرده است. اتفاقا در سفر اخیر خانم کلینتون ، یکی از مباحث مهمی که دو طرف بر آن تاکید داشتند همکاری مشترک در زمینه مبارزه با تروریسم و القاعده در منطقه و کمک متقابل طرفین در این عرصه بود.

2) دلیل دوم بر توجه روز افزون مقامات آمریکایی به آذربایجان ؛ بسته شدن پایگاه نظامی آمریکاییها در قرقیزستان بود که این امر پنتاگون را ناچار به جلب نظر تنها گزینه مناسب – باکو – برای استقرار نیرو ، عبور و تجهیزات به افغانستان کرده است. سفرهای رابرت گیتس وزیر دفاع و خانم کلینتون به باکو در یک مدت زمان کوتاه بعد از تحولات اخیر قرقیزستان در این راستا ارزیابی می شود .

اتفاقی که آمریکا را ترغیب کرده است تا با حضور و استفاده از موقعیت باکو ، خلاء استراتژیک خود در منطقه برای کمک به افغانستان را پر کند تصویب « دکنترین نظامی جدید آذربایجان » توسط پارلمان این کشور بود که طی آن دولت می تواند در شرایط اضطراری ، پایگاه نظامی در اختیار کشورهای خارجی قرار بدهد. تصویب این مصوبه در پارلمان آذربایجان در پی سفر وزیر دفاع آمریکا به این کشور احتمال صحت این مسئله را تقویت می کند که دولت و پارلمان آذربایجان متاثر از خواسته مقامات آمریکایی تن به تصویب ماده 29 دکنترین نظامی خود کرده است.

ماده 29 دکنترین نظامی جمهوری آذربایجان اشاره دارد : « بجز موارد استثنایی که در معاهدات و قراردادهای بین المللی پذیرفته شده است ، جمهوری آذربایجان حق ندارد پایگاه در اختیار کشورهای خارجی قرار دهد . با وجود این ، در صورتی که تحولات اساسی در شرایط نظامی و سیاسی رخ داد جمهوری آذربایجان حق صدور برای استقرار پایگاهها و نیروهای خارجی را دارد. »

این در حالی است که پیش از این در سند امنیت ملی جمهوری آذربایجان ؛ استقرار پایگاههای نظامی ممنوع شده بود و باکو مدعی بود تنها کشور قفقاز است که پایگاه نظامی خارجی در آن مستقر نیست. گرچه چند پایگاه راداری در شمال و جنوب این کشور در اجاره کشورهای دیگر بوده است. با این حال برای اولین بار است که رسما در سند نظامی این کشور مجوز تاسیس پایگاه نظامی خارجی دیده می شود .

البته برخی کارشناسان منطقه معتقدند دولت آذربایجان به « تشخیص» خود اجازه احداث پایگاه نظامی در خاک خود را داده است تا از طریق این پارامتر ، هم یک نوع تعادل و بالانس را در رفتار بازیگران عمده در آذربایجان و حتی بازیگران منطقه ای مثل جمهوری اسلامی ایران و ... ایجاد و از طریق اعمال فشار اجرای این مصوبه ، رفتار قدرتهای منطقه ای و غیر منطقه ای را به سیاستهای خود نزدیک کند و هم در موضوعات گوناگون اقتصادی و سیاسی و ... حمایتی بین المللی را کسب کند. بهر حال آمریکا با استفاده از فرصت موجود، تلاش می کند خلاء بسته شدن پایگاه ماناس را با حضور آذربایجان پر نماید.

3) هدف سوم و شاید هدف اصلی آمریکا در باکو و قفقاز تلاش برای تحقق استراتژی کلان آمریکا در منطقه است آمریکاییها سالهاست که بدنبال نفوذ و حضور در حیات خلوت روسیه و شکستن اقتدار روسیه در منطقه است وقوع انقلابهای رنگی در منطقه حاصل همین ایده است. البته در دل این حضور ، آمریکا می تواند بر منابع نفتی منطقه و خطوط لوله انرژی در منطقه هم تسلط لازم را داشته باشد در کنار اینکه جمهوری اسلامی ایران را هم تحت کنترل خود داشته باشد. مسئله ای که آذری ها را تشویق به نزدیکی غرب و بالاخص آمریکا میکند احساس نیاز حاکمیت آذربایجان به قدرتهای بزرگ در حل مناقشه طولانی مدت قره باغ است که تلاش می کنند در سایه نزدیکی به آمریکا ، هم نظر آمریکا را نسبت به بحث قره باغ تغییر دهند و هم از ظرفیت و پتانسیل آنها در متقاعد کردن دیگر بازیگران موثر در بحران و رسیدن به حقوق خود در کسب اراضی خود استفاده نمایند.

بحث دیگری را که آذربایجان سالهاست در مذاکرات خود با آمریکاییها مطرح می کنند و به انحاء مختلف تلاش می کنند نظر آمریکا را به خواسته خود جلب کنند تجدید نظر آمریکا در اجرای مصوبه 907 مجلس سنای این کشور است که طی آن مجلس سنا ، دولت را ملزم به تحریم های نظامی دولت آذربایجان و حمایت همه جانبه سیاسی ، اقتصادی و ... از ارمنستان نموده است که آذربایجان به شدت با این مصوبه سنا مخالفند و در همه دیدارهای خود با مقامات عالرتبه آمریکایی این موضوع را مطرح کرده اند اما تاکنون دولتمردان آمریکایی با این توجیه که این موضوع ، مصوبه مجلس سنا است و نمی توانند آن را اجرا نکنند از دادن نتیجه مثبت به باکو پرهیز کرده اند.

مقامات آمریکایی علی رغم اینکه تلاش کرده اند با اتخاذ یک سیاست کلان و دراز مدت در راستای نیل به اهداف خود ، نظر مقامات آذری را جلب کنند اما همواره در برخورد با تقاضاهای دولت باکو با اتخاذ سیاستهای چند گانه در واقع با آنها « سیاست بازی » کرده اند تا « تعامل دو جانبه ». آنها بعنوان عضوی از گروه مینسک در حل مناقشه قره باغ نتوانستند و نخواستند باکو به حقوق خود در کسب اراضی اشغالی خود توسط ارمنستان برسد و همواره در محافل عمومی و خصوصی به نوعی از ارمنستان حمایت کرده اند. در

سفر اخیر کلینتون به باکو هم علی رغم تقاضای مقامات آذری از ایشان برای حل بحران قره باغ ، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد آمریکا قادر نیست مناقشه قره باغ را حل کند ولی تلاش می کند به حل آن کمک کند. لذا آمریکا در طول سالهای گذشته همواره با نگاه تامین منافع خود با موضوع برخورد کرده و هیچ گامی را در راستای نزدیک کردن دیدگاههای خود و گروه مینسک به حل بحران قره باغ برنداشته است.

مطالعه و مرور گذرا بر تحولات و وضعیت فعلی کشورهایی که با هدف رسیدن به مقاصد خود ، دل در گرو ارتباط با قدرتهای بیگانه داده بودند و سرنوشت شان محتوم به انقلابات رنگین و دخالت بیگانگان در امور داخلی آنها شده و انواع طرحهای براندازی ، تغییر حکومتها و اعمال فشارهای سیاسی بر وضعیت موجود از سوی بازیگران فعال در کشورشان را تجربه کرده اند می تواند برای دولتمردان باکو درس عبرتی باشد که امنیت ملی و استقلال خود را با حضور بیگانگان – که بغیر از منافع خود به چیز دیگری نمی اندیشند – بخطر نیندازند و با استفاده از قدرت ملی و بهره گیری از پتانسیل های داخلی و منطقه ای به سمت اهداف عالی خود حرکت نمایند.